

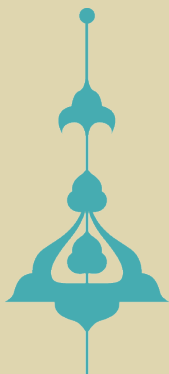
خانواده موفق

دفتر دوم

روابط همسران

محمدتقی فغالی





فهرست

پیش‌گفتار ۹

مقدمه ۱۵

فصل اول: مفهوم‌شناسی خانواده ۱۹

معنای لغوی ۱۹

معنای اصطلاحی ۲۰

تعاریف جامعه‌شناختی ۲۱

فصل دوم: انواع خانواده و خانوار ۲۷

انواع خانواده ۲۷

انواع خانوار ۲۸

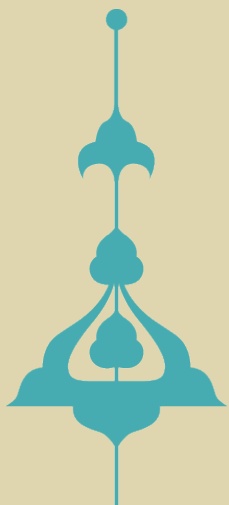
فصل سوم: رویکردهای مختلف به خانواده ۳۱

رویکرد جامعه‌شناختی ۳۱

رویکرد روان‌شناختی ۳۲

رویکرد فمینیستی ۳۴

رویکرد دینی ۳۶



فصل چهارم : نظریه‌های تشکیل خانواده | ۴۳

نظریه کارکردگرایی | ۴۳

نظریه مبادله اجتماعی | ۴۴

نظریه کنش متقابل | ۴۴

نظریه ستیز اجتماعی | ۴۵

نظریه فمینیستی | ۴۶

فصل پنجم : ویژگی‌های خانواده | ۴۷

خانواده در جوامع سنتی | ۴۷

خانواده در جوامع مدرن | ۴۹

فصل ششم : گونه‌شناسی تحولات خانواده | ۵۳

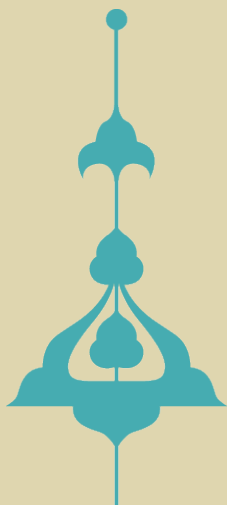
تحولات ساختاری | ۵۴

تحولات کارکردی | ۵۹

فصل هفتم : ارزش‌های خانواده | ۶۵

جانبداری و جاودانگی | ۶۶

عاطفه‌ورزی و حمایت‌گری | ۶۷



۶۸ | ثروت آفرینی

۶۹ | اخلاق محوری

۷۰ | مشارکت در کارها و همبستگی

۷۰ | هدایت امیال جنسی

فصل هشتم: الگوهای ارتباطی و عوامل انگیزه بخش تحکیم خانواده | ۷۳

فصل نهم: شاخصه های ساختار خانواده باثبات | ۷۷

۷۸ | تمایز نقش های جنسیتی

۸۰ | تک همسری

۸۴ | داشتن فرزند

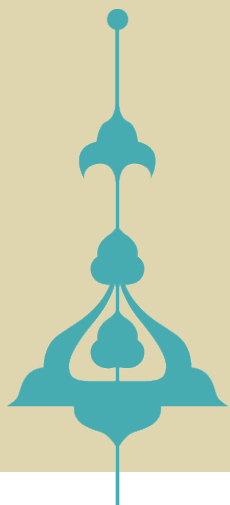
۸۵ | حضور انسجام بخش همسران در کانون خانواده

فصل دهم: خانواده و نقش های خانوادگی | ۹۱

۹۲ | نقش های زنانه

۱۱۸ | نقش های مردانه

۱۲۸ | نقش فرزند



فصل یازدهم: مسئولیت‌ها و مهارت‌های زندگی خانوادگی | ۱۳۱

- ۱۳۳ | مسئولیت‌های همسران در قبال یکدیگر
- ۲۴۷ | مسئولیت متقابل والدین و فرزندان
- ۲۴۹ | مسئولیت خویشاوندان در برابر همدیگر

فصل دوازدهم: عوامل آسیب‌زا به استحکام خانواده | ۲۵۳

- ۲۵۵ | عوامل ساختاری
- ۲۶۴ | عوامل کارکردی
- ۲۷۴ | عوامل انسجامی

فصل سیزدهم: دولت اسلامی و خانواده | ۲۸۵

- ۲۸۸ | دولت و سیاست‌گذاری درباب خانواده
- ۲۹۲ | بنیان‌های سیاست‌گذاری دولت درباره خانواده
- ۲۹۷ | دلایل بایستگی سیاست‌گذاری دولت درباره خانواده
- ۳۰۱ | قلمرو سیاست‌گذاری دولت درباره خانواده و آسیب‌شناسی آن

پیش‌گفتار

در روزگار ما از خانواده و دغدغه‌های فردی، اجتماعی و ساختاری مطرح درباره آن بسیار سخن گفته می‌شود. جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، اندیشمندان علوم تربیتی و اصلاحگران اجتماعی این نهاد را که هسته مرکزی جامعه به شمار می‌رود، بنیانی برای شکل‌گیری هویت فردی، تعاملات اجتماعی و تحولات فرهنگی قلمداد کرده‌اند. جامعه‌شناسان خانواده را بنیاد جامعه می‌دانند؛ روان‌شناسان خاستگاه حالات روانی انسان‌ها را در خانواده می‌جویند؛ اندیشمندان علوم تربیتی آغازگاه تربیت را خانواده به شمار می‌آوردند و اصلاحگران اجتماعی سرآغاز هر نوع تحول اصلاح‌گرایانه را منوط به خانواده می‌دانند.

اهمیت و جایگاه نهاد خانواده تا چه اندازه است؟ ویژگی‌های اساسی و بنیادین آن چیست و کدام ارزش‌ها در آن نقش محوری دارند؟ خانواده، از ارکان اصلی جامعه، دارای چه نقش‌ها و مسئولیت‌هایی است و چه عواملی می‌توانند به تحکیم و تقویت این نهاد کمک کنند؟ در دوران معاصر، خانواده چه تغییرات و تحولاتی را تجربه کرده و این دگرگونی‌ها چه تأثیری بر ساختار و عملکرد آن گذاشته‌اند؟ رویکردهای مختلف به مطالعه خانواده بر چه پیش‌فرض‌ها و انگاره‌های نظری مبتنی هستند و چگونه می‌توانند در تحلیل و تبیین مسائل مربوط به خانواده مؤثر باشند؟

این پرسش‌ها نه تنها موضوع مطالعه‌های گسترده در حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی قرار گرفته‌اند، بلکه در مباحث فلسفی، دینی و سیاست‌گذاری اجتماعی نیز جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. بررسی این پرسش‌ها نیازمند



تبیین دقیق مفاهیم و تحلیل عمیق تحولات اجتماعی و فرهنگی است که بر خانواده تأثیر می‌گذارند. برای مثال، نقش‌های محوری در خانواده، از جمله نقش‌های والدینی، زناشویی و فرزندی، تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی دچار تحول شده‌اند و این تغییرات همزمان با چالش‌هایی مانند فردگرایی و کاهش تعاملات عاطفی بر ثبات و انسجام خانواده تأثیر گذاشته‌اند. از سوی دیگر، هر یک از رویکردهای نظری به خانواده، از جمله رویکردهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، فمینیستی و دینی، این نهاد را با توجه به پیش‌انگاشت‌های خاص خود تحلیل می‌کنند و راهکارهای مختلفی برای تقویت و پایداری آن ارائه می‌دهند. این پیش‌فرض‌ها شامل دیدگاه‌هایی در مورد ماهیت انسان، نقش‌های جنسیتی، اهمیت ارزش‌های اخلاقی و دینی و تأثیر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی بر خانواده هستند. در نهایت، درک جامع از این مسائل می‌تواند به تدوین سیاست‌های مؤثرتر و برنامه‌های حمایتی مناسب برای تقویت خانواده در جامعه معاصر منجر شود.

خانواده در کنار مذهب، تنها نهاد اجتماعی محسوب می‌شود که در همه جوامع به صورت رسمی پذیرفته شده و توسعه یافته است. این نهاد از افرادی تشکیل می‌شود که در عین حال به شبکه‌ای گسترده‌تر به نام اجتماع پیوند می‌خورند. اهمیت خانواده در مقایسه با دیگر نهادها و سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، به‌طور ویژه‌ای برجسته است؛ زیرا هر جامعه‌ای به دنبال دستیابی به بهترین شرایط برای بهزیستی فردی و اجتماعی افراد خود است و این هدف را در خانواده می‌جوید. به همین دلیل، توجه ویژه‌ای به این نهاد اجتماعی می‌شود.

عملکرد خانواده در هر جامعه می‌تواند متفاوت باشد، اما اصول کلی آن در بیشتر جوامع مشابه است. افراد در خانواده متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و تحت تأثیر روش‌های تربیتی والدین قرار می‌گیرند و آنان را الگو قرار می‌دهند. در نهایت، اغلب افراد خود خانواده‌ای تشکیل می‌دهند و مسئولیت‌هایی مشابه را بر عهده می‌گیرند. اهمیت خانواده در زندگی افراد به قدری است که بسیاری از مردم زندگی خانوادگی را در رأس اولویت‌های خود قرار می‌دهند. این امر ناشی از آن است که خانواده‌ها نقش اصلی را در انتقال ارزش‌های فرهنگی و ارائه الگوهای رفتاری صحیح و ناصحیح دارند.

آموزه‌های دینی نیز برای بهروزی و سلامت این جهانی و آن جهانی انسان‌ها چارچوب‌هایی طراحی کرده‌اند که تشکیل خانواده یکی از آنها به شمار می‌رود. در این چارچوب، نیازهای طبیعی و شرایط اجتماعی انسان در نظر گرفته شده است. در این نگرش، خانواده از واحدهای مهم و اساسی اجتماعی است که بنای آن بر الفت، همدلی و همدمی استوار شده و از بناهای محبوب در پیشگاه خداوند است.^۱ روابط آن بر مؤدت و رحمت پایه‌گذاری شده و گرمی کانون خانواده مورد توجه عمیق اسلام است.

از این منظر، تشکیل کانون خانواده اقدام مثبتی است که می‌تواند به تکمیل عواطف انسانی و شکوفایی احساسات زن و مرد کمک و دوستی و محبت را در میان آنها تقویت کند. در این چارچوب، نیازهای جنسی به شکل معقول تأمین و حریم خصوصی افراد رعایت می‌شود و عشق و علاقه در خانواده گسترش می‌یابد. همچنین خانواده، در جایگاه یک واحد اجتماعی، محیطی مناسب برای کاهش مخاطرات و سختی‌های زندگی از طریق روش‌های صحیح و منطقی فراهم می‌سازد و تجربه‌ای عمیق از همدلی و همکاری را به ارمغان می‌آورد. در نهایت، خانواده نسل آینده را به شکلی مشروع و معین تولید می‌کند، مسئولیت‌پذیری را در افراد بالا می‌برد و انسان را از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی محفوظ نگه می‌دارد.

کتاب حاضر با بررسی نسبتاً جامع و چندلایه جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی تلاش می‌کند مباحث مربوط به خانواده را از زوایای گوناگون در چارچوب‌های اجتماعی و فرهنگی واکاوی کند. این اثر با رویکردی چندرشته‌ای و ترکیبی از نظریات مختلف، مروری بر وضعیت خانواده در دنیای معاصر دارد و در تلاش است نیازها و چالش‌های جدید خانواده را در بستر تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی تحلیل کند. این اثر در یک مقدمه و سیزده فصل تنظیم شده است که هر کدام یکی از جنبه‌های محوری خانواده و راهکارهای تحکیم آن را بررسی می‌کند. مباحث کتاب با دقت و بر اساس سلسله مراتبی منطقی و مرتبط تدوین شده‌اند، به طوری که طرح کلی کتاب از مفاهیم پایه‌ای آغاز و به تحلیل‌های عمیق‌تر و راهبردی در حوزه خانواده ختم می‌شود.

در مقدمه، نقش بنیادی اجتماعی خانواده تشریح و بر نیاز به شناخت و تحلیل مسائل مرتبط با تحکیم خانواده در مواجهه با تغییرات فرهنگی و اجتماعی می‌شود. در فصل اول مفهوم خانواده از دیدگاه‌های لغوی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اسلامی بررسی می‌شود. بررسی انواع خانواده‌ها (مانند هسته‌ای و گسترده) و خانوارها (مثل معمولی، دسته جمعی و مهمان‌وار) و تفاوت‌های ساختاری و کارکردی محور اصلی فصل دوم را تشکیل می‌دهد. فصل سوم به مقایسه و تحلیل رویکردهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، فمینیستی و دینی به خانواده اختصاص یافته است. در فصل چهارم نظریه‌های مختلفی مانند کارکردگرایی، مبادله اجتماعی، کنش متقابل، ستیز اجتماعی و فمینیستی در زمینه تشکیل خانواده تحلیل و ابعاد مختلف این نظریه‌ها بررسی می‌شود. تحلیل انتقادی ویژگی‌های خانواده در جوامع سنتی (مانند جهانی بودن و پذیرش مسئولیت) و جوامع مدرن (مانند فردیت‌گرایی و کاهش روابط عاطفی) مباحث فصل پنجم را تشکیل می‌دهد. فصل ششم تحولات ساختاری و کارکردی خانواده را در ابعاد مختلف مانند روابط عاطفی، نقش‌های خانوادگی و سبک زندگی واکاوی و تأثیر این تحولات بر استحکام خانواده را بررسی می‌کند. ارزش‌های محوری خانواده مانند عاطفه و رزق، اخلاق محوری، همبستگی و هدایت امیال جنسی که پایه‌های تحکیم خانواده به شمار می‌روند، در فصل هفتم تحلیل می‌شود. فصل هشتم برای تشریح الگوهای مختلف ارتباطی در خانواده و نحوه تأثیرگذاری این الگوها بر تحکیم روابط خانوادگی است. در فصل نهم ویژگی‌هایی مانند تمایز نقش‌های جنسیتی، تک‌همسری، داشتن فرزند از جمله شاخصه‌های ساختار یک خانواده باثبات معرفی می‌شود. فصل دهم به تشریح نقش‌های زنانه (مانند همسری و مادری)، مردانه (مانند پدری و همسری) و نیز نقش فرزندی در ساختار خانواده اختصاص یافته است. فصل یازدهم مسئولیت‌های همسران در قبال یکدیگر و مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی خانوادگی موفق مانند خوش‌گمانی، مدارا، بردباری و وفاداری را برمی‌شمرد. در فصل دوازدهم عواملی مانند هسته‌ای شدن خانواده، کاهش تمایل به فرزندآوری، خشونت خانگی و گسست نسلی تهدیدهای اصلی برای استحکام خانواده قلمداد می‌شوند. سرانجام فصل

سیزدهم نقش دولت در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با خانواده را بررسی و بنیان‌های فقهی، حقوقی و اجتماعی مرتبط با سیاست‌های حمایتی از خانواده در چارچوب دولت اسلامی را تحلیل می‌کند.

در این اثر تلاش شده است با ترکیب نظریه‌های کلاسیک و معاصر، راهکارهایی عملی و قابل اجرا برای بهبود و تحکیم روابط خانوادگی و تقویت بنیاد خانواده در جامعه امروز ارائه شود. این اثر افزون بر بررسی علمی و تحلیلی خانواده، سعی دارد با ارائه توصیه‌ها و راهنمایی‌های کاربردی به خوانندگان کمک کند که چالش‌های روزمره زندگی خانوادگی را بهتر مدیریت و با آگاهی بیشتر، روابط خود را تقویت کنند.

محمدتقی فغالی